

هزینه‌های نظامی هنگفت و بحران مالی شدید در کشورهای خلیج فارس*

مترجم: شریف مطوف

کشورهای عرب حوزه خلیج فارس اخیراً "به بازپس‌گیری سپرده‌ها و سرمایه‌های خود از کشورهای غربی اقدام کردند تا با کسربودجهای که با آن روبرو می‌باشند، مقابله کنند. به‌رغم اقدام به کاستن بمسابقه هزینه‌ها - به‌منظور ایجاد موازنه‌ای میان هزینه‌های عمومی و درآمد دولت - به‌طور واضح ملاحظه کردید که اقدامات یاد شده به نتایج مطلوبی دست نیاخته است. دلیل این عدم موفقیت، ادامه بحرانهای مربوط به کسری بودجه و نیز ادامه بازپس‌گیری سپرده‌های آن کشورها از کشورهای غربی است.

در این مورد، اخیراً "هنزی عزام" رئیس دایره اقتصادی در بانک متحد خلیج، اعلام نمود که دایره متبوع وی، به این نتیجه رسیده است که حجم سپرده‌های مالی بازپس گرفته شده از کشورهای غربی توسط شش کشور عرب عضو سازمان همکاری خلیج، تنها در سال گذشته به ۲۵ میلیارد دلار رسید. این مبلغ شامل سپرده‌هایی می‌شود که توسط آن کشورها در نزد بانکها و مؤسسه‌های مالی غربی می‌باشد و علاوه بر مبالغ حاصله از فروش سرمایه‌های آن کشورها در خارج، از قبیل سهام و اوراق بهادار و اموال غیرمنقول است.

مبلغ یادشده، حدود ۱۲/۵٪ کل موجودی مالی شش کشور (عربستان سعودی، کویت، امارات عربی متحد، قطر، بحرین و عمان) در خارج را شامل می‌شود. کل موجودی یاد شده در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار (در اوایل سال ۱۹۸۴) برآورد می‌شود. افزون بر این، مبلغ بازپس گرفته شده در سال ۱۹۸۴ بیش از مبلغ مشابه در سال ۱۹۸۳ بوده است. به عبارت دیگر، افزایش سال ۱۹۸۴ نسبت به سال ۱۹۸۳ به میزان ۷۰٪ بوده است.

علاوه بر این، در دهه هشتاد، شاهد پیدایش کسری برداختها بودیم، در حالی که پیش از آن، کشورهای یاد شده، همواره با افزایش سریع و روزافزون درآمدها نسبت به هزینه‌های آن کشورها روبرو بوده‌اند. بنابراین، کل کسری موازنه برداختهای شش کشور عضو سازمان همکاری خلیج در سال ۱۹۸۳، به حدود ۵/۷ میلیارد دلار رسیده بود. در حالی که این رقم در سال گذشته (= ۱۹۸۴ - م) در حدود ۳/۵ میلیارد دلار کاهش یافت.

□

* "دول الخلیج، انفاق عسکری باهظ و عجز مالی حاد"، العالم، شماره ۵۱ (۱۱ جمادی الاول ۱۴۰۵)، ص ۳۱.

این کاهش، بر اثر سیاستهای کشورهای یاد شده مبنی بر کاهش حجم واردات از خارج و نیز کاهش هزینه‌های عمومی داخلی بوده است. علاوه بر این، افزایش قیمت دلار - ارزی که به موجب آن، قیمت نفت، تعیین می‌شود - به کاهش قیمت کالاهای وارداتی از کشورهای اروپای غربی و ژاپن منجر گردید. دلیل آن، کاهش قیمت کالاهای مزبور نسبت به قیمت دلار است.

■ بحرانی شدن اوضاع

آنچه مسلم است، جنگ میان ایران و عراق - که در سپتامبر سال ۱۹۸۰ شروع شد، به هرچه پیچیده‌تر شدن اوضاع و بحرانهای منطقه خلیج فارس - به گونه‌ای که اکثر آگاهان به مسائل منطقه آن را پیش‌بینی نمی‌کردند - منجر شد. از طرفی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به بودجه‌های نظامی عراق به شکل گسترده‌ای کمک کرده‌اند. این کمکها تا کنون در حدود ۴۵ تا ۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است. از طرف دیگر، شروع جنگ، موجب شد کشورهای عرب خلیج فارس، با هراس زیاد اقدام به تخصیص مبالغ هنگفتی از بودجه‌های خود به هزینه‌های نظامی نمایند. از این رو، قراردادهای بزرگ خرید اسلحه توسط آن کشورها (بخصوص عربستان سعودی، کویت و امارات عربی متحد) با کشورهای غربی و سوسیالیست منعقد گردید. علاوه بر این، اقدامات گسترده‌ای در جهت افزایش حجم همکاری و هماهنگی نظامی میان این کشورها در چارچوب کار سازمان همکاری خلیج صورت گرفت.

بدیهی است، افزایش سریع هزینه‌های نظامی (به این شدت و سرعت) بودجه دولتهای مزبور را به‌رغم کاهش حجم هزینه‌های غیرنظامی - آسب‌پذیر ساخته است. بدین ترتیب، تعداد زیادی از طرحهای زیربنایی و خدماتی (مانند ساختن راه، مدرسه، مسکن و بیمارستان) ملغی گردید. علاوه بر این، تعداد دیگری از طرحهای مشابه یا به آینده موکول گردید و یا حجم آن کاهش داده شد.

افزون بر این مشکلات، اوضاع بازار جهانی نفت، بحران اقتصادی کشورهای یاد شده را در دهه ۱۹۸۰ وخیمتر ساخته است. علاوه بر کاهش مستمر تقاضای جهانی برای نفت، تعداد دیگری از کشورهای تولیدکننده نفت در جهان اقدام به افزایش تولید نفت خود کردند. افزون بر این، با به‌کارگیری روشها و راههای پیشرفته در تولید، مقدار مصرف نفت در این موارد به شدت کاهش یافت. علاوه بر این، با استفاده از منابع دیگر تولید انرژی، میزان تقاضا برای نفت پایین آمد. همزمان با آن، کشورهای دیگر تولیدکننده نفت مانند بریتانیا، نروژ، مکزیک، و چین به منظور بایس آوردن قیمت نفت خلیج فارس، میزان تولید نفت خود را افزایش دادند. آمار منتشر شده مربوط به صنایع نفت نشان می‌دهد که میزان تولید نفت کشورهای عضو سازمان همکاری خلیج در حال حاضر به نسبت ۴۰٪ از میزان آن در سال ۱۹۸۰ پایین‌تر است. قیمت نفت در مدت مزبور نیز به میزان ۱۵٪ تا ۲۰٪ کاهش یافته است.

■ ریشه بحران

ما ریشه این بحران را در عدم شکوفایی و رشد اقتصادی کشورهای عرب خلیج فارس و انکشاف شدید آنها به

درآمد حاصل از فروش نفت (اقتصاد تک محصولی) باید جستجو نمود. ناگفته پیداست که اقتصاد کشورهای خلیج فارس، از نظر داشتن زیربناها و تکیه گاههای ضروری و محکم اقتصادی بسیار فقیر است. تنها تکیه گاههای اقتصادی کشورهای مزبور - غیر از نفت - تجارت و برخی خدمات می باشد.

اگر نفت را کنار بگذاریم، می بینیم که بازرگانان آن کشورها - به انواع گوناگون - قلب تپنده اقتصاد منطقه خلیج فارس را تشکیل می دهند. وارد کردن انواع کالا از خارج، ایجاد اشتغال برای کارگران و تزریق پول به بانکها به شکل سیردهای مالی از کارهای مهم آنان است. اما گسترش تجارت و عدم پرداختن به کارهای تولیدی، به طور قطع منجر به تضعیف اقتصاد آن کشورها گردید و آن را در معرض بحرانهای شدید قرار داد.

در حقیقت، اوضاع اقتصادی کنونی در منطقه، بهترین دلیل بر این گفته ماست. کاهش شدید درآمد نفت کشورهای مزبور، بازارهای تجاری خلیج فارس را با رکود غم انگیزی مواجه ساخته است. بر اثر این امر، تعداد زیادی از مؤسسه های بازرگانی و دفاترهای کار آنها، یا تعطیل گردید یا اینکه حجم فعالیت خود را به طور محسوسی کاهش دادند. علاوه بر این، برای اولین بار در تاریخ منطقه، مشکل بیگاری در سطح گسترده ای بروز کرده است.

امروزه، مخالفه نخواهد بود اگر بگویم، درآمد وسیع نفت کشورهای عرب خلیج فارس، هیچ گونه منفعتی برای اکثریت مردم آن کشورها به همراه ندارد. این درآمد به محض ورود از خارج برای خرید کالا و خدمات گوناگون هزینه می شود. نسبت عمده این درآمدها به خرید کالاهای وارداتی از دیگر کشورهای جهان، بخصوص کشورهای صنعتی غربی، اختصاص داده می شود.

به عبارت دیگر، درآمد ارزی ناشی از فروش نفت که در داخل این کشورها به شکل موجودی ثابت (مانند ساختمانها و تجهیزات تولیدی) باقی می ماند فقط درصد کوچکی از کل درآمد این دولتها را تشکیل می دهد. اما بیشترین نسبت این درآمدها برای خرید کالاهای مصرفی و کالاهای لوکس غیرتولیدی و یا برای تفریح و گردش و خرید خدمات، هزینه می شود. علاوه بر این، هزینه های مربوط به خرید اسلحه و تجهیزات نظامی در چند سال اخیر به میزان بسیار زیادی بالا رفته است.

■ سرمایه گذاریهای ناموفق و بیبهره

واضح است که اغلب سرمایه گذاریهای کشورهای عرب خلیج فارس در خارج منطقه، در زمینه های نامفید و بیبهره بوده است که این خود دلیلی بر نبودن دید صحیح نسبت به مسائل مالی جهان و ناپختگی در مسائل مربوط به پیش بینی رویدادهای اقتصادی آینده در میان اعراب منطقه است. بدین دلیل، مشاهده می شود اغلب سرمایه گذاریهای کشورهای عرب خلیج فارس به صورت سیردهای بانکی و اوراق بهادار مالی، که سود حاصل از آن میزان ثابتی دارد و توسط بانکها و یا مؤسسه های اعتبارگرنده تعیین می گردد، انجام می شود.

البته این روش سرمایه‌گذاری، برای بهره‌گیری از پس‌اندازهای ملی، اضافه بر نیاز داخلی کشور، نمی‌تواند روش خوبی باشد. در حالی که امروزه شرایط بهتری وجود دارد که امکان سرمایه‌گذاری بهتر را می‌دهد. از جمله راه‌های ممکن جدید، سرمایه‌گذاری به حجم وسیع در بنگاههای تولیدی صنعتی، بخصوص خرید سهام کارخانه‌های بزرگ و نوین صنعتی و توسعه این‌گونه سرمایه‌گذاریهاست. بنابراین، بهترین راه این بود که سرمایه‌گذاران عرب به خرید سهام شرکتهای بزرگ صنعتی غربی و ژاپنی بپردازند نه اینکه به میزان ناچیزی بهره‌ن ثابت - بهره‌سپرده‌های بانکی - قناعت کنند که این میزان بهره گاهی حتی به کمتر از میزان تورم در کشورهای غربی می‌رسد.

درحقیقت، سوق دادن سرمایه‌گذاران به سمت مؤسسه‌های صنعتی، نیازمند به ایجاد شرایط و زمینه‌های مساعد توسط کشورهای سرمایه‌گذار، نیز می‌باشد. بنابراین، این امر مستلزم مطالعات جدی در وضع شرکتهای صنعتی و گزینش بهترین راهها و تعیین حجم سرمایه‌گذاری در هر یک از شرکتهای و بررسی مرتب عملکرد شرکتهای مورد سرمایه‌گذاری و نیز بررسی مرتب و پیگیر نتایج این سرمایه‌گذاریها می‌باشد. در این مورد، کویت، بهترین دیگر کشورهای عرب خلیج فارس در مورد سرمایه‌گذاری در شرکتهای صنعتی غربی (از اوایل دهه‌شصت میلادی تاکنون) عمل کرده‌است. علاوه بر این، کشور یادشده، با گذشت زمان، تجربه‌های زیادی در این امور به دست آورده‌است.

بدون شک، کشورهای عرب تولیدکننده نفت، در مورد سرمایه‌گذاریهای صنعتی در دیگر کشورهای عرب شمال آفریقا و سودان و حتی در داخل کشورهای خود کوتاهی کردند. این کوتاهی به‌طور مؤکد به میزان وسیعی به اقتصاد کشورهای عربی (از جمله خود کشورهای نفتخیز) زیان وسیعی رسانده‌است. دلیل این زیان، ناچیز بودن میزان بهره‌سپرده‌های بانکی و اوراق بهادار در کشورهای غربی است. درآمد ناشی از بهره‌سپرده‌های مالی و اوراق بهادار گاهی - پس از محاسبه میزان تورم - آن قدر پایین است که نه فقط سودی نمی‌رساند، بلکه سبب زیان نیز می‌گردد.

در این مورد، ممکن است گفته شود که عدم گرایش کشورهای عرب خلیج فارس به سرمایه‌گذاری در دیگر کشورهای عرب به دلیل عدم ثبات سیاسی در آن کشورها و ندانستن آینده روشن و مطمئن می‌باشد. ولی آیا این امکان وجود نداشت که سرمایه‌های اعراب در داخل کشورهای عرب بدون وارد شدن در مسائل سیاسی به‌کار گرفته شود؟ یا اینکه این امکان وجود نداشت که قراردادهای اقتصادی و صنعتی (برای سرمایه‌گذاری با درآمد ناشی از فروش نفت) را بر اساس اصول بازرگانی صرف و به‌منظور خدمت به امت اسلامی و اعراب منعقد کنند؟

امروزه واضح است که سرمایه‌گذاریهای غربی در کشورهای عربی (مانند مصر، تونس، مراکش و ...) تاکنون با هیچ‌گونه ضرر و زیانی و یا حتی مشکلی مواجه نشده‌است. این سرمایه‌گذاران چه در گذشته و چه در حال درآمدهای سرشاری داشته و در تمام زمینها ربه توسعه گذاشته است. سرمایه‌گذاریهای غربی نیز - چنانچه انجام می‌شد - ممکن بود مانند سرمایه‌گذاریهای غربی و با بیشتر از آن با سود سرشاری همراه گردد.

امروزه عیان می بینیم که شرکتها و دولتهای غربی با یک سنگ بیش از یک گنجشک زده اند. بدین ترتیب که سرمایه های نامحدود کشورهای عرب خلیج فارس را به سمت خود جذب کرده و با پرداخت بهره ناچیزی به کار گرفته اند در حالی که میزان محدودی از همان سرمایه ها را در دیگر کشورهای عربی، سرمایه گذاری کرده و سودهای با آ آورده سرشاری که به چندین برابر میزان بهره پرداختی به صاحبان اصلی سرمایه می رسد به دست آورده اند. توجه به این مسائل آیا اکنون دیگر ضرورتی وجود خواهد داشت تا تصویر استثمار و بهره کشی را به شکل واضحتری ترسیم کرد، یا اینکه معلوم گردید چه کسی "برنده" و چه کسی "بازنده" این نبرد سرمایه گذاری و استثمار جهانی می باشد. □

در این مقاله به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای عربی و اسلامی پرداخته می شود. در ابتدا به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای عربی پرداخته می شود و سپس به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای اسلامی می پردازد. در این مقاله به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای عربی و اسلامی پرداخته می شود. در ابتدا به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای عربی پرداخته می شود و سپس به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای اسلامی می پردازد.

سرمایه گذاری در کشورهای عربی و اسلامی دارای اهمیت ویژه ای است. این کشورها به دلیل منابع طبیعی فراوان و جمعیت رو به رشد، زمینه مناسبی برای سرمایه گذاری فراهم کرده اند. در این مقاله به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای عربی و اسلامی پرداخته می شود. در ابتدا به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای عربی پرداخته می شود و سپس به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای اسلامی می پردازد.

سرمایه گذاری در کشورهای عربی و اسلامی دارای اهمیت ویژه ای است. این کشورها به دلیل منابع طبیعی فراوان و جمعیت رو به رشد، زمینه مناسبی برای سرمایه گذاری فراهم کرده اند. در این مقاله به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای عربی و اسلامی پرداخته می شود. در ابتدا به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای عربی پرداخته می شود و سپس به بررسی سرمایه گذاری در کشورهای اسلامی می پردازد.



مجله علمی و پژوهشی «مطالعات علمی و مطالعات فرهنگی» شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۷-۳۹